

سخنان حجت الاسلام محمدسعید بهمن پور درباره خانم مرضیه حدیدچی (خواهر دباغ)

گرداننده اصلی اعتصاب غذا در فرانسه

در زندان آیت الله سید محمود طالقانی بیمار و آیت الله حسین علی منتظری و آیت الله عبدالرحیم ربانی شیرازی تحت فشار و شکنجه بودند، علاوه بر این مرگ دکتر شریعتی را نیز از چشم رژیم شاه می دیدند و انقلابیون خارج از کشور از این همه مسأله و اخبار ناگوار به خشم آمده بودند، باید با حرکتی اعتراض خود را ابراز می داشتند و برای کاهش فشارها و بهبود شرایط زندان‌ها، آنچه که می توانستند، انجام می دادند. محمد منتظری برای اعتراض و جلب توجه افکار عمومی جهانیان، طی برنامه ای منظم در مهر ماه سال ۱۳۵۶ اعتصاب غذای گسترده ای در پاریس تشکیل داد. اعتصاب غذا در کلیسای سن موری فرانسه شکل گرفت. خانم دباغ قبل از ما به فرانسه رفته بودند و یکی از گردانندگان اصلی این برنامه اعتصاب غذا در فرانسه بودند. سر و صدای این اعتصاب در دنیا موجب حرکت‌های حمایت آمیز دیگری در کشورهای مختلف شد. در ایران هم از طرف گروه‌های مختلف مبارز جلسه‌ها و کنفرانس‌های مطبوعاتی و نیز تظاهرات حمایت آمیز از این حرکت شکل گرفت و گویا اجتماع گسترده ای در صحن حضرت شاه عبدالعظیم(ع) در تهران برگزار شده بود. این اعتصاب غذا ده روز طول کشید و پس از اینکه ما به هدف خود که همانا رساندن صدای اعتراضمان به گوش جهانیان بود، رسیدیم، اعتصاب را شکستیم و در پایان قطعنامه ای صادر کردیم و در آن بازگشت امام خمینی (س) را به ایران و آزادی افرادی چون آیت الله طالقانی، منتظری و سایر زندانیان سیاسی را خواستار شدیم. بعد از آنکه اعتصاب غذا پایان یافت، ما به انگلستان بازگشتیم و خانم دباغ هم همراه ما بود. ایشان به علت اعتصاب و نخوردن غذا، مریض شدند.

خصوصیات خانم دباغ در گروه های مبارز

می توان خصوصیات خانم دباغ را به چند بخش تقسیم کرد:

اول اینکه ایشان بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد بود، به طوری که در شدیدترین سختی ها و ناراحتی ها، اصلاً ناراحتی شان دیده نمی شد. مثلاً اگر نامه ای بسیار ناراحت کننده از ایران برایشان می رسید که ما آن را از جاهای دیگر متوجه می شدیم، اصلاً ناراحتی را به روی خودشان نمی آوردند، همیشه همان برخورد خوب با چهره خندان ایشان را می دیدیم. هر وقت با خانم دباغ صحبت می کردیم، احساس آرامش و نشاط خاطر به ما دست می داد، زمانی که در کنار ما بودند، انگار ما در کنار مادر یا خواهر بزرگمان زندگی می کردیم. تقریباً همه را مجذوب اخلاق خودشان می کردند، فرقی نداشت که طرف، زن یا مرد است. وقتی من با ایشان صحبت می کردم چنین احساسی داشتم که انگار با مادرم دارم صحبت می کنم.

دومین خصوصیت خانم دباغ این بود که اصلاً خسته نمی شدند. آرام و قرار نداشتند و همیشه در جنب و جوش و تلاش بودند، با اینکه ما جوان بودیم و گاهی وقتها خسته می شدیم و از انجام کاری باز می ماندیم ولی ایشان شب و روز را نمی شناختند، کارهای زیاد و برقراری ارتباطات مختلف را به سرعت انجام می دادند.

سومین خصوصیت اخلاقی خانم دباغ، این بود که فراموش کار نبودند؛ یعنی هیچ وقت قول و قرار را که گذاشته بودند، فراموش نمی کردند. ایشان واقعاً یکپارچه ایمان نسبت به هدف خود و یکپارچه تلاش در کارهایشان و دلبسته به حضرت امام (س) در رفتارشان بود.

علاوه بر این خصوصیات اخلاقی که ذکر شد، ایشان در کارهای خیر هم آستین بالا می زدند و جوانها را با هم آشنا می کردند و به این طریق بین دختران و پسران جوان ازدواج صورت می گرفت. آشنایی و ازدواج من هم با خانم نصرت، توسط خانم دباغ صورت گرفت.

جمع این خصوصیات باعث شده بود که نسبت به انقلاب فردی دلسوز و نسبت به حضرت امام، مطیع، و یک مبارز بسیار موفق خودساخته باشند.

تحلیل گری صاحب نفس

در واقع خانم دباغ در انگلیس یک قطبی بودند که افراد مختلف به ملاقاتش می آمدند، ایشان مثل یک تحلیل گر سیاسی، آنچنان تحلیل سیاسی می کردند که جوان های انقلابی از جمله خود من تحت تأثیر حرف های ایشان قرار می گرفتیم.